



# قانون

## مهمترین فاکتور پیشگیری از جرم

گفت و گو با منصور یاورزاده یگانه

گفت و گو با منصور یاورزاده یگانه، قاضی و دادرس با سابقه ویژه قتل که به تازگی بازنشسته شده موضوع گزارش ویژه شماره پشین بود که در آن از فراز و نشیب‌هایی صحبت شد که وی در سال‌های فعالیت خود در این حوزه سپری کرده است. اکنون در این بخش سعی شده به انعکاس گوشه‌ای دیگر از تجارب ارزشمند این قاضی مجرب بپردازیم. تجاربی که پس از سال‌ها رنج و مشقت فراوان به دست آمده است. بی شک تجربه‌های یک قاضی پرونده‌های قتل می‌تواند شیرین و عبرت‌آموز باشد.

قرار داشته‌اند و بین آنها طلاق یا جدائی‌های مقطعی بوده است البته فقط طلاق عامل بزهکاری نیست بلکه از هم پاشیدگی خانواده‌ها و طرز رفتار والدین یا یکدیگر و با فرزندان در پیدایش انحرافات کودکان نقش عمده‌ای را دارد به علاوه فقر و تنگدستی خانواده موجب می‌شود که والدین نتوانند اطفال خود را آنطور که شایسته است تربیت کنند و کودکی که خوب تربیت نشود نمی‌تواند یک شهروند مطیع و قانونی باشد و گناه چندان بر او بار نیست. زیرا از پدر و مادر مشترکی به دنیا آمدن گناهی نیست.

■ در بین عملهای ارتکاب قتل، اعتیاد به مواد مخدر چه نقشی را داشته است؟

اعتیاد یکی از جدی‌ترین مشکلاتی است که بسیاری از جوامع دنیای امروز را تهدید کرده است افزایش روز افزون این بلیه و بخصوص اشاعه آن در نسل جوان نشان می‌دهد امروزه اعتیاد نه تنها یک مشکل فردی بلکه به مثابه یک مشکل اجتماعی که عوامل متعددی در آن دخالت دارند شناخته شده است با وجود آنکه تحقیقاتی در جهت کشف عوامل بیوشیمیکی اعتیاد در دست است معه‌ذا متخصصان در بیان این نکته که نقش پر اهمیت عوامل اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت هم صدا هستند تغییرات سریع اجتماعی تغییر ساخت و شکل خانواده‌ها مسایل عدیده‌ای که افراد در دوران

۱- سستی و تزلزل در ارکان مادی و معنوی خانواده.

۲- فقر مادی و معنوی و فرهنگی.

۳- تراکم جمعیت و بیکاری.

در هیچ زمانی از ادوار تاریخ بشری کانون گرم خانوادگی مثل زمان حال در خطر انحلال و نابودی قرار نگرفته است همه روانشناسان و محققان و حقوقدانها و قانونگذاران از سیر صعودی واقعه طلاق متأثر گردیده‌اند و مساعی مادی و معنوی خود را برای مبارزه و جلوگیری از آن بکار می‌برند اما نتیجه‌ای حاصل نشده در اکثر طلاقتها نمی‌توان گفت که زن مقصر است یا مرد. ولی به جرأت می‌توان گفت که این محیط و شرایط اجتماعی است که تیشه بر ریشه خانواده‌ها می‌زند و در چنین محیط اجتماعی از محدودیت‌های قانونی کاری ساخته نیست و در اینجا اجتماع است که موظف است علل وقوع طلاق را از بین ببرد. در جامعه‌ای که متأثر از فرهنگهای مختلف است بسیار اتفاق می‌افتد که اختلافات کوچک زناشویی موجب تنفر شدید میان زن و شوهر می‌شود و از یکدیگر جدا می‌شوند. تحقیقات معمولی نشان می‌دهد ۸۰ درصد محکومیت و ۹ درصد محکومان به جرایم جنسی و ۴۰ درصد محکومان به سرقت در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که از حیث شرایط اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی در وضع بسیار بدی

■ جناب آقای یاورزاده بفرمائید اصولاً چه عواملی در بروز قتل دخالت دارد و در مواجهه با آن شما برای یافتن قاتل چگونه برخورد می‌کنید؟

قتل در تعریف حقوقی سلب حیات از دیگریست که با توجه به وجود عنصر قصد و اراده و یا عدم وجود آن به قتل عمد و غیرعمد تقسیم می‌شود و غیرعمد خود به اقسامی (شبه عمد، خطای محض و تسبیب) و هر کدام از این اقسام در نظامهای حقوقی متفاوت مجازات خاصی دارد. قتلهای امروزه و آمار و ارقام وحشتناکی که از آنها داریم بر می‌گردد به شهرنشینی خصوصاً شهرهای صنعتی و پیدایش محله‌های پایین و بالای شهر. برخلاف تصور عموم اکثر کسانی که مرتکب قتل می‌شوند به خاطر گمراهی و یا کج فکری آنها نیست بیشتر از آن جهت است که زندگی نابسامان و بدی داشته‌اند. طبیعت انسان رشد کردن، کار کردن، آذوقه جمع کردن، آشیانه ساختن، ازدواج کردن، دوست داشتن و در یک کلام زیستن است. زیستن که در شأن و منزلت او باشد و اگر نتواند این کارها را بکند خدا می‌داند که چه کارهایی ممکن است از او سر بزند بسیاری از قاتلان و بزهکاران قربانی بی‌انصافی جامعه هستند و در بازجویی که از آنها می‌شود به نحوی عمل خود را توجیه می‌کنند. بطور کلی می‌توان علت افزایش ارتکاب قتل را در چند عامل بررسی کنیم.

جوانی با آن مواجه هستند و بالاخره تنهایی و از خود بیگانگی افراد در جوامع صنعتی و یا در حال توسعه در گرایش به اعتیاد نقش مهمی ایفاء می کند. اعتیاد به یک حالت دوره ای یا دائمی گفته می شود که برای شخص و اجتماع و یا هر دو آنها مضر می باشد و مشخصات زیر را دارد:

۱- میل و احتیاج سریع و غیر قابل کنترل به ادامه دادن و مصرف ماده اعتیاد آور.

۲- وابستگی جسمی و روحی به ماده اعتیاد آور. آرشبو عدلیه پر است از پرونده های قتل، پرونده های قتل که بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم مواد مخدر در آن نقش بسیار فعالی داشته است در اکثر پرونده های جنایی که در آنها قتل های سازمان یافته ای صورت گرفته مانند قتل های باند یاقوت سرخ، باند راکی، باند گوساله وحشی، باند سوتیچی ها و یا پرونده قتل های زنان خیابانی و یا خفاش شب شیخ جنایتکار اعتیاد به مواد مخدر و الکل نقش مستقیمی در ارتکاب جنایتها داشته است مصرف مواد مخدر پدیده پیچیده ای است و راه حل آن آسان و ساده نیست در این رابطه سه روش را می توان مطرح کرد.

۱- نبود و یا کاهش مواد مخدر از طریق برقراری قوانین محکم و قاطع.

۲- ایجاد برقراری مشاوره برای افراد جامعه برای آموزش نحوه تطابق و سازگاری با مشکلات زندگی.

۳- انجام روشهایی جهت یافتن علل اجتماعی مصرف مواد مخدر و در رابطه با مواد مخدر و اعمال جنایی از قبیل قتل و سرقت های مسلحانه که توجه مسئولان به این امور اهمیت زیادی دارد.

تراکم جمعیت یکی دیگر از عوامل رشد جرم و جنایت از جمله قتل است و یکی از ویژگیهای خاص جرایم و جنایات شهری وجود عنصر خشونت در آن می باشد هر چه تراکم جمعیت بیشتر باشد جرایمی از قبیل قتل، جرایم خانوادگی، طفل کشی، پدر کشی، تجاوز به عفت، خودکشی و ترور در آن بیشتر است و زیادی این امور باعث می شود که خشونت برای مردم شهر یک امر عادی شود و کم کم در همه برخوردهای اجتماعی و اقتصادی و... بدر خشونت باشیده شود.

■ آیا به نظر شما آمار قتل که رویه افزایش است از نظر شما نگران کننده نیست و علت این امر چیست؟ در مقایسه با کشورهای دیگر نظر شما درباره ارتکاب جرم قتل در ایران با کشورهای دیگر به چه صورت است.

ما نباید در مقام مقایسه آماری بین تهران و شهرهایی نظیر واشنگتن، فیلادلفیا، دالاس لس آنجلس، شیکاگو و نیویورک برآیم که به ترتیب در ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت ۶۹/۳-۴/۲۷-۲۲/۸-۲۴/۸-۲۰/۵-۱۹/۱ مورد قتل در آنها رخ می دهد چون حساب آن شهرها با

شهرهای مثل تهران از نظر فرهنگی و ملی و مذهبی فرق دارد. در مملکت ما عامل بسیار مهم و بازدارنده ای چون مذهب شیعه و دین اسلام وجود دارد که در جان و دل مردم ریشه دوانیده است دین و مذهبی که قتل را از گناهان کبیره می داند و معتقد است اگر کسی بناحق دیگری را بکشد مثل آنست که تمامی جامعه را به قتل رسانده است.

کلان شهری مثل تهران مسائل مخصوص خود را دارد و همین امر حساسیت کار قضایی و انتظامی و سیاسی و اجتماعی را در آن مضاعف می کند یک ششم جمعیت ایران و همچنین یک چهارم قضات و کارمندان دادگستری در تهران مشغول کار هستند. رشد جمعیت و عوامل زمینه ساز وقوع جرم و جنایت این شهر بیشتر از سایر شهرهاست. در دو سال گذشته ۲۰ درصد از قربانیان جنایات زنان بوده اند و ۸۰ درصد مردان.

در دو سال گذشته جامعه پزشکی با ۲۳ اتفاق جنایی رویه رو بود که ۸ مورد آن قتل، ۷ مورد سرقت از مطب ها و ۳ مورد ربودن فرزندان پزشکان بود که از این ۲۳ مورد ۱۹ مورد آن کشف شده.

■ به نظر شما عوامل بروز خشونت و علت ارتکاب جرایم ناشی از خشونت که منجر به قتل می شود چیست؟

به نظر من مهمترین عوامل خشونت را عبارتند از:

۱- مهاجرت های بی رویه.

۲- رابطه نزدیک بین خشونت و اخبار رسانه های گروهی.

۳- سست شدن روابط خانوادگی و کم رنگ شدن نقش والدین.

۴- رایج شدن فرهنگ مصرف گرایی و تجمل پرستی.

۵- عدم وجود قوانین منصرف کننده و بازدارنده، احتمال دستگیر نشدن و محکوم نشدن، احتمال عدم اجرای حکم مجازات، آنچه مسلم است فقر، محرومیت، تبعیض و بی عدالتی و اختلاف طبقاتی و بیکاری از عوامل اصل جرم و جنایت است ولی مهمترین فاکتور پیشگیری از جرایم قانون است. متأسفانه قانون فعلی ما با سارقان، کلاهبرداران و حتی قاتل یا قاتلانی که از در تساهل و تسامح وارد شده مواد ۲۰۶ به بعد قانون مجازات اسلامی برای قاتل حکم قصاص را در نظر گرفته اما ماده ۲۰۸ همان قانون برای قاتلی که شاکي نداشته باشد و یا گذشت کرده باشد ۳ تا ده سال حبس تعیین نموده که این مجازات برای قاتل بسیار کم است و معمولاً دادگاهها به ۶ ماه و یکسال و حداکثر ۳ سال حبس اکتفا می کنند که این مدت کوتاه هم بعداً شامل عفو و آزادی مشروط قرار می گیرد و همین امر موجب سلب اعتماد

عمومی از اجرای عدالت می شود مشکل بزرگ زندانیان ما تراکم به زندانیان جرائم صدور چک بلا محل و مواد مخدر است نه سارقان و قاتلان در وضعیت فعلی اگر سارق دهها فقره سرقت خودرو دستگیر شود مجازات او طبق ماده ۶۶۶ قانون مجازات اسلامی ۶ ماه تا ۳ سال و تا ۷۴ ضربه شلاق است. اگر بر فرض محال دادگاه او را به حداکثر یعنی ۳ سال حبس محکوم کند. حسب بخشنامه های صادره به مناسبت عید نوروز مجازات او به یک سوم تقلیل می یابد و می شود یکسال و به فاصله اندکی به مناسبت دومین عید به یک چهارم تقلیل پیدا می کند می شود ۳ ماه و پس از تحمل ۳ ماه یا کمی بیشتر از زندان آزاد می شود در بین مجرمینی که هنوز دستگیر نشده اند و در میان مجرمین و محکومین دستگیر شده شایع است که مدت حبس ابد حداکثر ۵ سال است و حداقل ۱۸ ماه و سرفتها و کلاهبرداری ۵/۱ میلیون تومان بخشیده می شود در اینجا آیا بهتر نیست هر مجرمی فقط یک بار برای همیشه بتواند از مزایای عضو استفاده کند. به نظر من همین اغماض های قانونی است که وسوسه زیر سؤال بردن نظم اخلاقی و حقوقی موجود را در نزد بعضی ها ایجاد کرده با تقویت می کند یکی از وظایف بنده حقیر که کوچکترین عضو عدلیه بوده ام اجرای احکام قصاص است. حدود ۱۷۰ نفر محکوم زیر قصاص داریم که از این تعداد حدود ۱۰۰ نفر منتظر دریافت تفاضل دیه هستند و یا اولیاء دم تلاش می کنند که سهم صغیر را پرداخت نموده و حکم قصاص را اجرا کنند با بخشنامه جدید قوه قضائیه اولیاء دم احضار می شوند توان پرداخت سهم صغیر و یا تفاضل دیه را ندارند پرونده به دادگاه ارسال و قاتل آزاد از هر قید و بندی به اجتماع باز می گردد. حتی بعضی از آنها به

### به نظر من همین اغماض های قانونی است که وسوسه زیر سؤال بردن نظم اخلاقی و حقوقی موجود را در نزد بعضی ها ایجاد کرده یا تقویت می کند

پیشنهاد اولیاء دم یعنی به پرداخت دیه اعتنایی نکرده و می گویند «نداریم» نمونه پرونده ها زیاد است. «مردی بخاطر داشتن ارتباط نامشروع با زن بدکاره ای همسر و کودک خود را با فجع ترین وضع ممکن به قتل می رساند. به قصاص محکوم می شود برای اجرای حکم بیش از ۳ میلیون تومان تفاضل دیه می خواند. اولیای دم در سطح شهر راه افتاده کاسه گدایی بدست گرفته و تفاضل دیه گدائی می کنند.

چند سال پیش سه مرد شبانه وارد کارگاهی می شوند و نگهبان جوان کارگاه را با زدن آجر به سرش به قتل می رسانند هر سه متهم به قصاص محکوم می شوند. مادر مقتول که زن افغانی فقیری است احضار شده می گوید ۱۳ مینیون تومان تفاضل دیه ندارم. عده ای از اولیاء دم بخاطر اجرای حکم

فصاحص برای تهیه تفاضل ديه خانه و زندگي خود را حراج گذاشته اند آيا به راستي راه ديگري غير از آزاد شدن قاتل يا قاتلان وجود ندارد. به نظر من همان فقه پويا و مترقي شيعه كه توانست ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامي را وضع كند. قادر خواهد بود راه حل مناسبى براي تفاضل ديه از تاديه سهم صغير پيدا كند. به هر حال من مجري بي چون و چراي بخشنامه ها و تصميمات مقامات عاليه قوه قضائيه هستم و اميد آن دارم كه اين توشه اسانه ادبي به مقامات عاليه نباشد ولي به هر حال آنچه مسلم است زراد خانه كي فرى و زندانها ديگر آن طور كه بايد نبستند.

عدم تعادل بين ميل به تملك نامشروع اموال كه سهل الحصول مي نمايد و عدم كارآيي نظام كي فرى خود يك عامل قابل توجه بزهكاري است.

۶- تراكم جمعيت

نامنى را زياد مي كند و باعث افزايش نرخ بزهكاري مي شود.

۷- تنهائي، انزوا، بي نام و نشاني و بي اعتنايي و بي تفاوتى به جوانان از عوامل مهم بروز خشونت هستند.

۸- خشونت در بسياري از موارد جاي گفتگو و تبادل نظر را گرفته است.

۹- تورم قوانين و مقررات يك نوع خشونت انفعالي براي شهروندان بوجود آورده. اكثر شهروندان مدعي هستند كه عدليه آنان را به اندازه كافي در مقابل بزهكاران حمايت و حفاظت نمي كند لذا در زمينه پيشگيري از جرائم پيشنهاده مي شود.

۱- مبارزه عليه «كلان سازي» بناها و ساختمانها

۲- اصلاح نظام آموزشي و پرورشي و اداري.

۳- ايجاد شوراهاي داوري و تحكيم به منظور حل اختلافهاي كوچك روزانه قبل از آنكه به خشونت تبديل شود.

۴- جلوگيري از اشاعه خشونت در رسانه هاي گروهي.

۵- تاسيس يك نهاد دائمي در قوه قضائيه كه مسئول بررسي جنبه هاي مختلف بزهكاري و ارائه راه كارهاي منطبق با تحولات باشد و برپا كاهش احساس نامنى شهروندان توجه جدى به كيفيت مادي و معنوي زندگي مردم و تضمين آينده شغلي جوانان در كنار كنترول بزهكاري امري بسيار ضروري است. در ضمن تذكر اين نكته ضروري است كه اعتبارات خاصي براي اين نهاد مهم در نظر گرفته شده.

۶- فراهم نمودن امكان استفاده علمي از سيستم هاي الكترونيكي موجود به نحوي كه اسم و مشخصات كامل و عكس و نوع اتهام مجرمين تحت تعقيب به سيستم كامپيوتري کشور داده شود تا به محض دستگيري در هر نقطه از کشور و به هر

نوع اتهامي مأمورين بتوانند با مراجعه به رايانه متوجه شوند كه اين شخص دستگير شده از سوي كدام مرجع قضائى يا انتظامي تحت تعقيب مي باشد. همانطور كه شكسته بسته در مورد سرقت خودروها هم اكنون عمل مي شود.

۷- اعمال مجازات شديد براي خودسري و خودكامگي و بي مسئوليتي و محرمانه عمل كردن هاي اداري.

۸- سركوبي كي فرى سريع تر.

۹- مبارزه شديد با مي گساري و مي بارگي كه بسياري از خشونتها به آن مربوط مي شود.

۱۰- گشودن باب

استخدام به روي جوانان.

۱۱- تأمين حداقل نيروي

پليس براي تأمين و

تضمين امنيت شهروندان

واقعييت اين است كه

امروزه پليس به اندازه

كافي و لازم در تهران

حضور ندارد تا چه برسد

به استانها و شهرهاي كوچك و حاشيه شهرهاي بزرگ.

۱۱- ايجاد پاسگاههاي كوچك محله اي در شهرها.

۱۲- الفاء اين موضوع به مردم كه كي فرهاي تعيين شده از سوي قاضي براي مجرمين خصوصاً كي فر «مرگ» از زمان صدور و قطعي شدن آن مشمول هيچ تغيير و تعديل اداري يا قضائى واقع نخواهد شد.

۱۳- مسدود كردن راه فرار محكومين خطرناك و نام و نشان دار كه حكم قطعي اعدام در مورد آنها صادر شده از طريق ماده ۳۱ در اين خصوص پرونده هايي در مجتمع امور جنائى وجود دارد كه اگر بخواهم شرح دهم زبان و قلم سوزد و اگر نگويم مغز استخوان سوزد.

۱۴- مبارزه با اراذل و اوباش خياباني و اراذل و اوباش اقتصادي و فرهنگي و... نه به شيويه معمول و مشهود.

۱۵- اهتمام در جمع آوري اسلحه قبل از اينكه در يك سرقت مورد استفاده قرار گيرد.

۱۶- محدود كردن اغماضهاي قانوني توضيح اينكه بدون استثناء همه دادگاهها نسبت به اكثر مجرمين در مقام تخفيف مجازات ماده ۲۲ را رعايت مي كنند و بعد از صدور حكم بدوي دادگاه تجديد نظر ۶ سال حبس را به ۶ ماه حبس تخفيف مي دهد و پس از آن محكومان مجدداً از اغماضهاي قانوني مندرج در مواد ۲۷۷ و ماده ۱۸۰ و ۳۱ استفاده مي كند و مدام پرونده حتى پس از صدور حكم قطعي بين اجرائ احكام و دادگاههاي مربوطه در رفت و آمد است و آخر الامر پرونده اي كه اتهام محكومين آنها سرقت مسلحانه بوده اين چنين لوٹ مي شود.

و هزاران پيشنهاده قانوني ديگر كه در اين مختصر نمي گنجد. به قول مولانا:

شرح اين هجران و اين خون جگر  
اين زمان بگذار تا وقت دگر

■ در حال حاضر مشكلات موجود در خصوص رسيدگي هاي قضائى به پرونده هاي قتل چيست؟ در حال حاضر براي رسيدگي به پرونده هاي قتل مشكلات زيادي وجود دارد كه من به چند نمونه آن اشاره مي كنم:

وقتي قتلي اتفاق مي افتد همه نيروهاي قضائى و انتظامي بسيج مي شوند. روزها و ماهها و سالها تلاش مي شود تا قاتلي دستگير و زنداني و محاكمه شود. پس از صرف اين همه توان و نيرو پرونده در واحد اجرائ احكام و در مقام اجرائ حكم فصاحص به تفاضل ديه و تاديه سهم صغير برخورد مي كند و به همين علت اجرائ حكم متوقف مي ماند.

به عنوان نمونه: مدتي پيش در دو نقطه از شهر تهران اجساد مثله شده يك دختر ۲۳ ساله و يك مرد ۴۰ ساله پيدا شد. خبر آن در روزنامه ها چاپ شد و موجب تعجب و اشمئزاز شهروندان گرديد با تلاش شبانه روزي مأموران انتظامي و قضات مجتمع قضائى امور جنائى قاتل در مدت زمان كوتاهي شناسايي و دستگير يا اعترافات هولناك افشين عامل جنائت بار ديگر توجه عمومي به طرف تساهل و تسامحي كه در قوانين جزائى ما وجود دارد جلب شد و معلوم گرديد قاتل ۱۶ سال قبل مادر اين دختر ۲۳ ساله و همسر اين مرد ۴۰ ساله را عمدتاً به قتل رسانده و با گذشت اولياء دم پس از ۷ سال از زندان آزاد شده است. چند روز پيش پرونده «رامتين» جواني كه ۴ سال قبل خواهر ۹ ساله خود را شكسته داده و به قتل رسانده بود به علت عدم تمكّن مادر مجنى عليها در پرداخت تفاضل ديه و به علت رضائت اولياء دم به ۷ سال حبس محكوم شد. طولاني شدن محاكمات و مراحل دادرسي باعث لوٹ شدن پرونده و اجبار اولياء دم به دادن رضائت مي شود در بسياري از موارد اولياء دم تحت فشارهاي مختلف اجتماعي و يا فشار خانواده قاتل و يا به دليل عدم توانايي در پرداخت ديه تن به رضائت مي دهند.

نمونه ديگر اينكه سعيد حائى با ارتكاب ۱۶ فقره قتل هاي عمدى در مصاحبه با خبرنگار بيك زندان مي گويد: «من اگر امكانات داشتم ساعتى يكي از اينها را مي كشتم. هشتم نفر را شناسايي کرده بودم كه به ترتيب بكشتم كه نشد در دادگاه متوجه شدم كه بعضى از مقتولان بچه داشته اند. در مورد قتل ها فكر مي كنم كار خوبي کرده ام ولي حالا كه فهميده ام بچه داشته اند سعي مي كنم كاري براي بچه ها انجام دهم. با چند نفر از برادراني كه در خيرييه ها مشغول هستند آشنا هستم و بعد از آزادي از زندان تلاش خواهم كرد كه اين بچه ها را حتماً تحت پوشش خيرييه ها بگذارم... من اين ها را با حساب قانوني كه خودم تعيين کرده بودم مي

کشتم و با این کار می خواستم جامعه را پاک کنم. رأی دادگاه هر چه باشد برایم فرقی نمی کند. از این می ترسم که بعد از آزادی اگر اتفاق مشابهی بیفتد مجدداً سراغ من بیایند».

خوب ملاحظه کنید قاتل عمدی ۱۶ نفر مرتب از آزادی صحبت می کند و تمام صحبت های او در شماره ۱۱۶ مورخه ۵ آذر ۱۳۸۰ روزنامه پیک زندان چاپ می شود و همه آن را می خوانند و اگر چند صباح دیگر عامل قتل های عنکبوتی زنان خیابانی در مشهد آزاد شد کسی تعجب نخواهد کرد سعید حنایی در اظهارات خود به این نکته هم اشاره کرده که مسسه جرایم کوچکتر از قتل مرتکب شده و به زندان افتاد ولی پس از یک هفته از زندان آزاد شده است. آنچه مسلم است اگر در همان قدم اول خلاف قانونی که سعید حنایی و یا خفاش شب و یا افشین و رامتین برمی داشتند با آنها برخورد مناسب می شد ما امروز شاهد این جنایت های فجیع نبودیم اگر امروز جلوی بخشنامه های آزادی قاتلین از زندان را به دلیل عدم تمکن اولیاء دم در پرداخت تفاضل دیه نگیریم فردا شاهد جنایت های مصیبت باری خواهیم بود. تردیدی نیست که قوانین جزایی برای برقراری نظم و جلوگیری از بروز فساد در جامعه کمال ضرورت را دارد ولی قانونی که با واقعیات جامعه منطبق نباشد و به جای مبارزه با علت به مبارزه با معلول بپردازد نه تنها به حل معضل و معضلات کمک نخواهد کرد بلکه وضعیت بحرانی را تشدید خواهد کرد. منظور من از بیان این مطالب وضع مجازات های سنگین نیست با اعدام و حبسهای طولیل المدت اصلاحی صورت نمی گیرد.

■ مسلماً رسیدگی به پرونده های قتل دشواریهای

خاصی دارد برخی از این دشواریها به قانون بر می گردد در خصوص رسیدگی به پرونده های قتل چه مشکلات قانون در پیش رو داشتید؟

سلاح قاضی و ابزار کار او قانون است. امروزه در هر حرفه و پیشه و صنعتی ابزار کار حرف اول را می زند. متأسفانه ابزار کار ما که همین قانون باشد به دلایل بسیاری کارایی لازم را ندارد و از خلاء های قانونی پر است. نبودن قانون در جامعه و یا وجود خلاء قانونی مانند نبودن و یا کم بودن آب است در باغ و بستان. کم آبی باغ و بستان را می خشکاند و زیادی آب سیلاب شده و همه باغ و بستان را با خود می برد. متأسفانه شیوه تنظیم مواد قانونی آن گونه به ناهنجاری و بی انسجامی نزدیک شده که بیشتر به یک متن روایی تعلیمی شباهت دارد تا به یک متن منسجم و شاخص و حکمی.

در دستگاه قضایی ما اکنون مشکل قانون و قانون نویسی و مشکل قاضی وجود دارد. به چند نمونه از دشواریها و چالشهای قانونی در رابطه با رسیدگی به پرونده های قتل که هر یک دادنامه ای به رئیس محترم قوه قضائیه نیز ارسال کرده بودم اشاره می کنم.

۱- قانون مجازات اسلامی در موردی که هم اولیاء دم صغیر هستند ساکت است و ماده ۲۶۶ با هر نوع تفسیر موسعی جوابگو نیست.

۲- در پرونده های قتل زنان و در پرونده هایی که تعداد قاتل از یک نفر بیشتر است و برای اجرای حکم قصاص در مورد محکوم یا محکومان اولیاء دم باید تفاضل دیه به قاتل یا قاتلان پرداخت نمایند ۹۹ درصد احکام قصاص به لحاظ بالا بودن نرخ دیه و تعذر و تعسر اولیاء دم از پرداخت دیه فاضله و سهم الدیه صغیر بلا اجرا مانده و در موارد و عدیده قاتل یا قاتلان بر اساس بخشنامه صادر شده با اخذ تأمین کفیل دو هفته از زندان آزاد شده اند. برای رفع این معضل و برای اعتبار بخشیدن به اجرای احکام قطعی قصاص باید قانونی وضع شود که اعسار اولیاء دم از جهت پرداخت تفاضل دیه یا پرداخت سهم الدیه صغیر از طرف دادگاه صادرکننده حکم قطعی پذیرفته شود.

۳- مواردی پیش آمده که دادگاه بدوی عمل ارتكابی متهم را قتل شبه عمد دانسته و متهم به این اتهام محکوم نموده و بر اثر اعتراض اولیاء دم پرونده به دیوانعالی کشور فرستاده شده ولی دیوان عالی کشور با این استدلال که موضوع شبه عمد است پرونده را به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال نموده. دادگاه تجدیدنظر در مقام رسیدگی حکم شبه عمد را نقض و مدعیست عملکرد متهم قتل عمد است. اگر حکم قصاص صادر کند چون احکام دادگاههای تجدیدنظر قطعی است در این جا در اثر سکوت قانون حتی از متهم با محکوم علیه ضایع می شود. در این جا قانون تکلیف را روشن نکرده است.

۴- در اثر خلاء قانونی رویه های متعددی در

دیوانعالی کشور در خصوص صلاحیت رسیدگی به مواردی که متهم واحد است و جرایم متعددی مرتکب شده وجود دارد مثلاً قتل در شرب خمر. بعضی شعب دیوان به هر دو اتهام رسیدگی می کنند و بعضی شعب به اتهام قتل رسیدگی نموده و شرب خمر را به تجدیدنظر استان می فرستند.

۵- قطعیت حکم موضوع بند ج ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب با حقوق طرفین دعوی و یا نزاع منافات دارد.

۶- قانون مجازات اسلامی در مورد قتلی که تبعه ایرانی در خارج از کشور مرتکب شده و در آنجا محاکمه و محکوم و حکم در مورد وی اجرا شده و سپس به ایران آمده و اولیاء دم در ایران تقاضای قصاص می کنند ساکت است.

■ چیزی که برای خوانندگان می تواند جذاب باشد اینست که پس از ارتکاب یک قتل سیر تکوینی رسیدگی به پرونده قتل به چه صورت است لطفاً این سیر رسیدگی را همراه با تجارب خود بفرمایید؟

بررسی صحنه قتل یکی از ارکان اساسی و مهم یک پرونده قتل است نخستین مرحله یک پرونده قتل مرحله کشف جرم است. ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع قتلی باید در محل حاضر و با یک بررسی دقیق اعلام نمایند که «چه اتفاقی رخ داده است» در صورت مشاهده قتل و یا مرگهای مشکوک با حفظ صحنه جرم بلافاصله با هماهنگی با مأمورین تشخیص هویت و پزشکی قانونی در محل حاضر و آثار جرم را فوراً پس از وقوع ملاحظه نمایند و در حین معاینات و تحقیقات آثار و علامات را در نظر گرفته و آنچه را که دیده و کشف کرده در صورت مجلس قید کند و تمامی آثار و نشانه ها و مدارک لازم را جمع آوری و ضبط نموده و ارتباط آنان را با یکدیگر از نقطه نظر پزشکی و جنایی ارزیابی نماید. آثار باقی مانده در صحنه قتل می تواند به صورت اشیاء مانند: اسلحه، وسایل بهم ریخته خانه، یادداشتها، نامه ها، اوراق، گلوله، وسیله نقلیه، سیگار، فیلتر سیگار، دکمه... یا بقایای انسانی مانند خون، منی، مو، بزاق، ادرار، مدفوع، استفراغ... یا آثار به جا مانده مانند آثار انگشتان، کف دست، آثار پنجه های خون آلود، سوراخهای ورودی و خروجی گلوله، فرو رفتگی، له شدگی، ترک، پارگی و... باشد. جمع آوری و ثبت و ضبط این آثار تکنیک های خاص خود را می طلبد و مأمورین جمع آوری این مدارک باید به این تکنیک ها مجهز و مسلط باشند وظیفه اصلی قاضی جنایی و گروه همراه و همیار او آن است که هر گونه آثار باقی مانده در صحنه قتل را به دقت جمع آوری و نگهداری می کند.

یکی از علل عمده شکست در حل معمای قتل عدم دقت در بررسی صحنه قتل و معاینه حمل و تحقیقات محلی است. اگر قبل از گرفتن فیلم و نمونه برداری و اثر برداری جنازه و یا هر شیء ←



دیگری از جای خود حرکت داده شود دیگر امکان ندارد بتوان آن را به حالت اول برگرداند و یا از بین رفتن آن اثر و نشانه ضریب موفقیت قاضی در حال معمای قتل کم می شود. به نظر من بهتر است قاضی در تمامی صحنه های قتل و مرگهای مشکوک حضور داشته باشد حضور قاضی تضمینی است برای بررسی دقیق صحنه جرم. قاضی پس از حضور در صحنه قتل یا مرگ مشکوک باید به ترتیب زیر مدیریت، کنترل، هدایت، صحنه را برعهده بگیرد.

- ۱- صورت جلسه دقیق مشاهدات ظاهری.
- ۲- فیلم برداری از صحنه توسط مأموران تشخیص هویت.
- ۳- عکسبرداری از صحنه.
- ۴- برداشتن آثار انگشت و رد پاها و موهای موجود در صحنه خصوصاً موهای موجود بین انگشتان جسد و تجسس اسپرم و لکه های خون توسط تشخیص هویت.
- ۵- بازرسی دقیق سطل های زباله.
- ۶- جمع آوری و ضبط آب و خونابه موجود در سیفون دستشویی ها.
- ۷- جمع آوری فیلترهای سیگار و هر نوع شیء مشکوک دیگر.

- ۸- جلوگیری از هر اقدامی که موجب تخریب و بهم ریختگی صحنه قتل شود.
- ۹- توصیف وضعیت اف اف ، قفل بودن یا

باز بودن دربهای ورودی و خروجی و وضعیت کامل خانه و آشپزخانه و روشن بودن یا خاموشی گاز و گرم بودن یا سرد بودن کتری و قوری یا غذای روی گاز، سپس قاضی باید از پزشکی قانونی بخواهد از جسد معاینه کند. باید وضعیت جسد از نظر شکل قرار گرفتن و ارتباط با اشیاء اطراف کاملاً توصیف شود و در زمانی که پزشکی قانونی جسد را معینه می کند علائم و جراحات موجود در سطح بدن جسد صورت جلسه شود و از پزشکی قانونی بخواهد زمان تقریبی مرگ را بقیق نماید. زمان تقریبی مرگ از روی درجه حرارت بدن جسد امکان پذیر است که در جای خود مفصلاً توضیح خواهد شد. در هنگام حمل جسد به سالن تشریح پزشکی قانونی پزشک می بایستی مراقب حفظ کلیه و آثار و علائم باشد و بر کلیه جابجائی های جسد نظارت کامل داشته باشد.

قاضی با معاینه دقیق محل و شواهد و مدارک موجود باید معلوم کند محل کشف جسد محل واقع قتل می باشد یا خیر. آیا این همان محلی است که قتل در آن اتفاق افتاده یا جسد از جای دیگری به این محل آورده شده است. گاهی اوقات با معاینه ظاهری جسد نمی توان در مورد علت مرگ و یا قتل اظهار نظر نمود در این گونه مواقع لازم

است که جسد جهت تشریح به پزشکی قانونی منتقل شود. در صورتی که جسد ملیس یعنی پوشیده باشد بهتر است با همان لباس به سالن تشریح منتقل شود چون این امکان وجود دارد که با درآوردن لباس مقتول بسیاری از شواهد از بین بود یکی از عواملی که به قاضی و مأمورین کاشف در محل معمای قتل کمک می کند یعنی زمان تقریبی مرگ است.

بطور خلاصه باید گفت که قاضی در بررسی صحنه قتل باید به: ۱- محل ۲- نوع جنایت ۳- تعداد افرادی که مورد جنایت واقع شده اند ۴- سرعت عمل در تحقیق شرایط جوی حاکم بر صحنه جنایت توجه داشته باشد و در تمامی صحنه های جنایت از قبیل حریق، انفجار، استفاده از اسلحه گرم، استفاده از وسایل نقلیه، حوادث صنعتی، کشف باقی مانده جنازه، خفگی در آب، گاز گرفتگی و... از کارشناسان خاص این رشته ها کمک بگیرد و به این نکته توجه داشته باشد که همیشه واضح ترین شواهد دلیل بر جنایت نمی باشد. یک قاضی خوب کسی است که فریب شواهد و دلایل ظاهری را نخورد و در یک پرونده قتل معقول را از محسوس جدا کند. اکثر

### یک قاضی خوب کسی است که فریب شواهد و دلایل ظاهری را نخورد و در یک پرونده قتل معقول را از محسوس جدا کند

پرونده های جنایی از جنجالی ترین ماجراهای اجتماعی سرچشمه می گیرند. چنانچه قاضی و یا مأمورین کاشف دلایل را به موقع جمع آوری نکنند

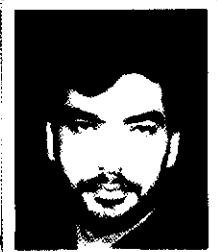
مشکلات زیادی برای دستگاه قضایی پیش خواهد آمد. اگر نخستین جنایت خفاش شب دقیقاً تحلیل و بررسی و تجزیه می شد ما دیگر شاهد هفتمین و هشتمین قتل او نبودیم.

با توجه به مراتب فوق اصلی ترین رکن یک پرونده قتل بررسی دقیق صحنه قتل یا مرگ مشکوک می باشد به همین جهت باید یک صحنه قتل بارها و بارها بررسی و نمونه برداری و اثر برداری شده مدارک و شواهد و علائم اصلی فقط در صحنه قتل یافت می شود پس برای هر کدام از این علائم و نشانه ها باید فصل خاصی در نظر گرفت از قبیل فصل مربوط به آثار انگشت، خون، منی، مو، بزاق، استفراغ، ادرار و... #

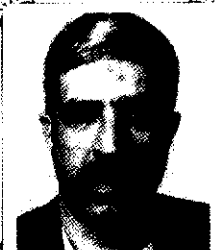
همچنان که خوانندگان ماهنامه قضاوت به خاطر دارند از شماره ۲۹ به معرفی تعدادی از قضات محترم اقدام کردیم که از سوی معاونت ارزشیابی قضات مورد تشویق قرار گرفته اند. در ادامه این راه، ضمن قدر دانی از قضات سراسر کشور، جهت تحلیل از آنان به معرفی تنی چند از تشویق شدگان دادگستری استان تهران می پردازیم.



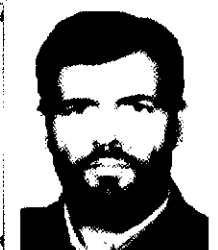
نام: داود  
نام خانوادگی: اسحاقی (جا)  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۷۴/۶/۱۸  
سمت زمان بازرسی: دادرس  
دادگستری استان تهران  
سمت فعلی: دادرس علی ا. عمومی  
سال تشویق: ۸۰



نام: روح الله  
نام خانوادگی: زینبی نافع  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۷۸/۱/۱  
سمت زمان بازرسی: قاضی  
دادگستری تهران  
سمت فعلی: بازرس دادرس و انقلاب  
سال تشویق: ۸۰



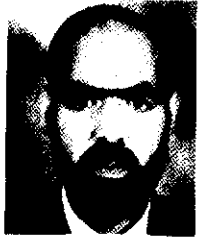
نام: محمد قاسم  
نام خانوادگی: نصر اصفهانی  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۷۲/۱۲/۱  
سمت زمان بازرسی: رئیس  
دادگاه عمومی بخش بوستان  
سمت فعلی: رئیس حوزه قضایی عمومی (بخش و رئیس شعبه)  
سال تشویق: ۸۲



نام: ابراهیم  
نام خانوادگی: پایدار بويا  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۶۷/۳/۱۷  
سمت زمان بازرسی: رئیس  
دادگاه انقلاب تهران  
سمت فعلی: رئیس شعبه ۸۴ انقلاب اسلامی  
سال تشویق: ۸۱



نام: محمد علی  
نام خانوادگی: معنی پور  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۷۱/۹/۱  
سمت زمان بازرسی: رئیس  
دادگاه عمومی تهران  
سمت فعلی: رئیس شعبه ۸۴ عمومی (جزایی)  
سال تشویق: ۸۱



نام: حمید  
نام خانوادگی: گوینده  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۶۵/۳/۲۷  
سمت زمان بازرسی: رئیس شعبه ۶۰۱ دادگاه عمومی تهران  
سمت فعلی: معاون دادستان عمومی و انقلاب  
سال تشویق: ۸۲



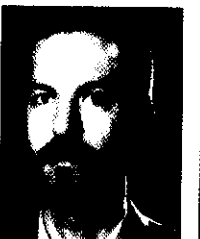
نام: احمد  
نام خانوادگی: متولی  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۶۵/۱۲/۲۷  
سمت زمان بازرسی: رئیس شعبه ۶۰۵ دادگاه عمومی تهران  
سمت فعلی: مستشار دادگاه تجدیدنظر  
سال تشویق: ۸۲



نام: داوود  
نام خانوادگی: فرمیهن فراهانی  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۶۲/۲/۳۱  
سمت زمان بازرسی: رئیس شعبه ۱۳۰۳ دادگاه عمومی تهران  
سمت فعلی: مستشار دادگاه تجدیدنظر  
سال تشویق: ۸۱



نام: علی  
نام خانوادگی: خلفی  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۶۶/۶/۲۱  
سمت زمان بازرسی: سرپرست مجتمع قضایی رسالت  
سمت فعلی: سرپرست مجتمع قضایی دادگستری  
سال تشویق: ۸۲



نام: محمدرضا  
نام خانوادگی: احمدآبادی  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۶۲/۱/۱  
سمت زمان بازرسی: رئیس شعبه ۱۳۱۶ دادگاه عمومی تهران  
سمت فعلی: معاون دادستان عمومی و انقلاب و سرپرست مجتمع  
سال تشویق: ۸۱



نام: احمد  
نام خانوادگی: بیگی حبیب آبادی  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۶۷/۱/۱  
سمت زمان بازرسی: معاون مجتمع قضایی تهران  
سمت فعلی: معاون دادستان عمومی و انقلاب (شهرستان)  
سال تشویق: ۸۲



نام: اصغر  
نام خانوادگی: حسین زاده  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۷۶/۵/۲۵  
سمت زمان بازرسی: دادرسی علی البدل دادگاه عمومی تهران  
سمت فعلی: رئیس شعبه ۹۰ دادگاه عمومی (حقوقی)  
سال تشویق: ۸۱



نام: عباس  
نام خانوادگی: محدث  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۷۴/۱۰/۲۵  
سمت زمان بازرسی: دادرسی علی البدل دادگاه انقلاب تهران  
سمت فعلی: معاون دادستان عمومی و انقلاب  
سال تشویق: ۸۱



نام: عیسی  
نام خانوادگی: بلوری اربط  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۷۷/۱۲/۴  
سمت زمان بازرسی: دادرسی علی البدل دادگاه عمومی تهران  
سمت فعلی: بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب  
سال تشویق: ۸۱



نام: عیسی  
نام خانوادگی: بلوری اربط  
تاریخ ورود به خدمت قضایی: ۱۳۷۷/۱۲/۴  
سمت زمان بازرسی: دادرسی علی البدل دادگاه عمومی تهران  
سمت فعلی: بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب  
سال تشویق: ۸۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی